

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم
(عصر دولتی - عصر انقلابی)

دانشگاه باقر العلوم «علیه السلام»

دانشکده علوم سیاسی
رساله جهت اخذ درجه دکتری
رشته علوم سیاسی

عنوان:

الگوی حکومت مطلوب در فلسفه سیاسی
مشاء
و ظرفیتهای آن در عصر حاضر

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر غلامرضا بهروزی لک

استادان مشاور:

جناب آقای دکتر احمد واعظی

جناب آقای دکتر یارعلی کردفیروزجایی

نگارش:

مرتضی یوسفی راد

۱۳۹۱

صور تجلسه دفاعیه رساله دکتری

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از الطاف حضرت ولی عصر (عج) جلسه دفاعیه رساله دکتری آقای مرتضی یوسفی راد دانشجوی رشته علوم سیاسی به شماره دانشجویی ۸۶۲۷۱۱۱۰ با عنوان « الگوی حکومت مطلوب در فلسفه سیاسی مشاء و ظرفیت های آن در عصر حاضر» در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۱ با حضور هیأت داوران در محل دانشگاه باقر العلوم علیه السلام برگزار گردید و براساس کیفیت رساله، میزان نوآوری، چگونگی دفاع و نحوه نگارش رساله، رأی نهایی به شرح ذیل اعلام می گردد.

○ قبول با درجه: « بسیار خوب: » نمره: « ۱۸/ » ○ غیر قابل قبول

امضاء	دانشگاه / مؤسسه	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	هیأت داوران
	دانشگاه باقر العلوم (ع)	استادیار	غلامرضا بهروزی لک	استاد راهنما
	دانشگاه باقر العلوم (ع)	دانشیار	احمد واعظی	استاد مشاور
	دانشگاه باقر العلوم (ع)	استادیار	یارعلی کردفیروزجایی	استاد مشاور
	دانشگاه باقر العلوم (ع)	دانشیار	نجف لک زایی	استاد داور
	دانشگاه باقر العلوم (ع)	استادیار	رضا خراسانی	استاد داور
	جامعه المصطفی العالمیه	دانشیار	علی عباسی	استاد داور

دکتر سید محمود موسوی
 معاون آموزشی و فرهنگی

احمد احسانی
 مدیر آموزش و تحصیلات تکمیلی

*رساله توسط هیأت داوران در چهار درجه ارزشیابی شده و به هر درجه نمره ای تعلق می گیرد. الف) قبول ○ عالی (۲۰-۱۹)
 ○ بسیار خوب (۹۹-۱۸) ○ خوب (۹۹-۱۷) ○ قابل قبول (۹۹-۱۶) ○ ب) مردود ○

تقدیم به:

پیشگاه اسوه اخلاق و فضیلت حضرت محمد (ص)،
حضرت فاطمه (س)، ائمه معصومین (ع)، امام عصر (عج)،

شہیدان انقلاب اسلامی، امام شہیدان (ره)

و

مقام معظم رہبری

تشکر و تقدیر

هر امری بی لطف و مهربانی خدای یگانه به سرانجام نمی‌رسد، پس شاکر نعمت‌های الهی او هستم
بر خود لازم می‌دانم از بزرگوارانی که در مسیر نگارش این رساله همراهی کردند تا به سرانجام برسد، تقدیر و تشکر کنم. از راهنمایی‌های دلسوزانه و بی‌دریغ استاد گرانقدر جناب آقای دکتر غلامرضا بهروزی‌لک که با دقت وافر راهنمایی رساله را برعهده داشتند و از اساتید معزز مشاور جناب آقایان دکتر احمد واعظی و دکتر یارعلی فیروزجایی تقدیر و تشکر نمایم.
از خانواده عزیزم و همه عزیزانی که به نحوی در این مسیر یار و یاورم بودند، تشکر کرده و توفیق همگان را از خداوند منان مسئلت دارم.

چکیده

مسئله مشارکت مردم در امور سیاسی از دغدغه‌های اساسی متفکرین سیاسی عصر حاضر می‌باشد. چنین دغدغه‌ای امروزه در قالب نظام‌های سیاسی مردم‌سالار در تلقی‌های مختلف خود را نشان داده است. مساله این رساله آن است که در فلسفه سیاسی مشاء مردم از چه جایگاهی در امر سیاست برخوردارند؟ جامعه سیاسی ما ناگزیر است یا به مفاهیم تولید شده خاصه مسئله مردم‌سالاری در همان هنجارها و انگاره‌های فکری که چنین مسئله در آنها تولید شده تن در دهد و آن را پذیرا باشد یا با توجه به سنت فلسفی خود و با اعتقاد به توانمندی آن نسبت به جایگاه برجسته مردم، آن را به بازتولید وا دارد. فلسفه سیاسی مشاء والگویی حکومت مطلوب آن از جمله سنت‌های توانمند فلسفی حیات سیاسی گذشته ماست که در زمان خود توانمندی خود را در مواجهه با رویکرد غایت‌گرایانه از زندگی سیاسی نشان داده است. پرسش آن است الگوی حکومت مطلوب فلسفه سیاسی مشاء از چه ماهیتی برخوردار بوده و از چه قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی برای جایگاه و نقش آفرینی مردم در امر سیاست برخوردار می‌باشد؟ ادعا آن است که فلسفه سیاسی مشاء در عصر خود الگوی حکومتی خود را بر پایه حاکمیت عقل و شرع و پیوند دین و دنیا و معنویت ارائه نمود و ماهیتی عقلانی - وحیانی به خود گرفت و در عصر حاضر نیز بنیان‌های نظری و معرفتی آن مولد ظرفیتی است که می‌تواند مسئله مردم‌سالاری را در هنجارها و انگاره‌های نظری و ارزشی خود بازتولید نماید و الگوی حکومتی خود را حکومتی مردم‌گرا و سازگار با مردم‌سالاری نشان دهد درعین حال لازم نیاید نظام سیاسی ملتزم به رویکردهای اومانستی، سکولاریستی و فردگرایی از مردم‌سالاری گردد آن گونه که در لیبرال دموکراسی مشهود است.

در مبانی نظری و معرفتی حکومت مطلوب فلسفه سیاسی مشاء، مشارکت مردم هم شرط وجود و بقاء و هم شرط کمال فرد است و نیز هم در سطح نیازهای مادی و معنوی و هم در سطح مصالح فردی و مصالح جامعه نقش آفرینی می‌کند. از سوی دیگر تحقق این نوع مشارکت متوقف بر حضور و مشارکت مردم در ساختار قدرت در امر تصمیم‌گیری‌های کلان می‌باشد و در نهایت در این نوع حکومت، رسالت و وظیفه حکومت دخالت دادن فرد در سرنوشت سیاسی خود بوده و وظیفه فرد مشارکت کردن در قدرت و تصمیم‌گیری‌ها جهت حفظ وجود و فعلیت و تکمیل کمالات خود است و حکومت نیز با لزوم فراهم ساختن زمینه‌های آن، ناگزیر از پاسخگویی به خواسته‌ها و نیازمندی‌های مردم در دو سطح مادی و معنوی می‌باشند.

واژگان کلیدی: فلسفه سیاسی ، فلسفه مشاء ، فلسفه سیاسی

مشاء ، الگوی حکومت مطلوب ، عصر حاضر ، مردم‌سالاری ، فلاسفه

مشاء .

فهرست مطالب

چکیده خ

مقدمه پژوهش: طرح تفصیلی تحقیق

- ۱- بیان مسئله ۲
- ۲- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن ۴
- ۳- سابقه پژوهش ۶
- ۳-۱- کتاب «علم مدنی فارابی» اثر علیرضا صدرا ۷
- ۳-۲- کتاب «اندیشه سیاسی فارابی» اثر محسن مهاجرنیا ۸
- ۳-۳- کتاب «فلسفه سیاسی ابنسینا» اثر ابوالفضل شکوری ۱۰
- ۳-۴- کتاب «اصول و مبادی فلسفه سیاسی فارابی» اثر
فرناز ناظرزاده کرمانی ۱۱
- ۳-۵- کتاب «دولة الشريعة ابنسینا» اثر د. علی عباس
مراد ۱۲
- ۳-۶- کتاب «اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی» اثر
مرتضی یوسفیراد ۱۳
- ۳-۷- مقاله «مدینه فاضله فارابی» اثر محسن مهدی ترجمه
سعید رضوی ۱۳
- ۳-۸- کتاب «چیستی فلسفه سیاسی در تمدن اسلامی» اثر محمد

۱۵ پزشکی
۱۶ ۳- ۹- کتاب «فلسفه مشاء» اثر سید یحیی یثربی
۱۷ ۳- ۱۰- Philosophy and law , Leo Strauss
۱۸ ۴- اهداف پژوهش
۱۹ ۵- سوال اصلی پژوهش
۲۰ ۶- سؤالات فرعی پژوهش
۲۰ ۷- فرضیه پژوهش
۲۱ ۸- مفاهیم
۲۲ ۹- پیش فرض‌های پژوهش
۲۳ ۱۰- روش پژوهش
۲۵ ۱۱- روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها
۲۶ ۱۲- سازماندهی پژوهش
۲۶ مباحث مقدماتی و طرح تفصیلی
۲۶ فصل اول: چیستی فلسفه سیاسی مشاء
۲۷ فصل ۲: الگوی حکومت مطلوب فلسفه سیاسی مشاء
۲۷ فصل ۳: عصر حاضر، نقش مردم در حکومت
 فصل ۴: ظرفیت‌های نظری الگوی حکومت مطلوب فلسفه سیاسی
۲۸ مشاء در مساله مردم سالاری

فصل اول: چیستی فلسفه سیاسی مشاء

۳۰ مقدمه
۳۱ الف) مفاهیم
۳۱ فلسفه (حکمت)
۳۲ رویکرد فلسفی

۳۳	فلسفه سیاسی
۳۷	رابطه فلسفه و فلسفه سیاسی
۳۸	فلسفه مشاء
۴۰	فلسفه سیاسی مشاء
۴۱	دغدغه فلاسفه مشاء
۴۲	موضوع فلسفه سیاسی
۴۳	هدف و غایت فلسفه سیاسی مشاء
۴۶	روش فلاسفه مشاء
۴۹	روش برهانی
۵۱	روش تمثیل و الگوگیری
۵۲	روش تجربی (فلسفی آمیخته با قیاس)
۵۳	(ب) مسائل فلسفه سیاسی مشاء
۵۵	انسان مدنی، تدبیرگر و تعالی طلب
۵۷	سعادت
۵۸	ریاست (نبی و امام)
۶۰	علم و حکمت مدنی
۶۴	عدالت
۶۵	محبت
۶۷	قانون
۶۸	(ج) ویژگی‌های رویکردی فلاسفه مشاء
۶۹	خدا محوری
۷۰	غایت گرایی
۷۱	منظومه‌نگری

۷۳ لایه لایه ای دیدن هستی و معرفت
۷۴ اعتدال و توازن
۷۶ مکمل هم دیدن عقل و وحی و حس (و شهود)
۷۷ رویکرد عقلی در تبیین هستی
۷۸ تقدم طبیعت بر صناعت
۷۹ نیکو دیدن عالم
	(د) چارچوب مطالعاتی فلسفه سیاسی مشاء: رویکرد غایت گرایانه -
۸۰ واقع اندیش و رویکرد واقع اندیشی - غایتگرا
۸۵ جمع بندی

فصل دوم: الگوی حکومت مطلوب (مدینه فاضله) فلسفه

سیاسی مشاء

۸۹ مقدمه
۹۴ اصول و اسباب ثبات و پایداری اجتماعات مدنی
۹۵ ۱ - محبت
۹۸ ۲ - صداقت
۱۰۱ ۳ - عدالت
۱۰۷ ۴ - سیاست و حاکم
۱۱۰ ۵ - قانون
۱۱۱ حکومت مطلوب
۱۱۴ ۱ - گروه های اجتماعی به حسب مراتب معرفتی
۱۱۷ ۲ - رئیس مدینه فاضله
۱۲۲ ۳ - ویژگی های مردم مدینه فاضله
۱۲۳ ۴ - نهادهای اساسی حکومت مطلوب

- الف - نهاد رهبری ۱۲۴
- مراتب رهبری ۱۲۵
- ب - نهاد ذویالسنه (فرهنگیان و مبلغان) ۱۳۲
- ج - نهاد مقدران (دیوان محاسبات) (عدالت اداری و دادگستری و نظام قضایی) ۱۳۳
- شرط اول: معرفت بر کلیات ۱۳۳
- شرط دوم: قدرت بر اجراء ۱۳۴
- شرط سوم: برخورداری از تجربه ۱۳۴
- د - مجاهدان (نظامیان) ۱۳۵
- ه - مالیون (اقتصادیون) ۱۳۶
- ۵- نظام و سازمان مشاغل ۱۳۶
- ۶- گروهها و طوایف غیرمدنی نظام سیاسی مدینه فاضله ۱۳۹
- وظایف دولت در قبال نوابت ۱۴۳
- جمع‌بندی ۱۴۴

فصل سوم: عصر حاضر و نقش مردم در حکومت

- عصر حاضر و نوع تلقی از مردم ۱۴۹
- دموکراسی ۱۵۱
- چیستی دموکراسی ۱۵۴
- ماهیت دموکراسی و فرهنگ ۱۵۹
- انواع تلقی‌ها از دموکراسی ۱۶۰
- تلقی قدیم و فلاسفه مشاء از دموکراسی ۱۶۱
- تلقی‌های جدید ۱۶۶

۱۶۷دموکراسی به مثابه مدل و الگو
۱۶۸دموکراسی به مثابه شیوه و فلسفه زندگی
۱۷۴اصول دموکراسی روشی
۱۷۵حاکمیت مردم
۱۷۶اصل قانون
۱۷۷اصل برابری
۱۷۸مشارکت سیاسی
۱۷۹آزادی
۱۷۹پرسش‌های مردم محور پیش روی فلسفه سیاسی مشاء در عصر حاضر
۱۸۵جمع‌بندی

فصل چهارم: ظرفیتهای نظری الگوی حکومت مطلوب

فلسفه سیاسی مشاء در مسأله مردم‌سالاری

۱۹۰مقدمه
۱۹۲جایگاه مردم در فلسفه سیاسی مشاء
۱۹۸بنیان‌های معرفتی الگوی حکومت مطلوب در مسأله مردم‌سالاری
۱۹۹حکمت
۲۰۹شریعت
۲۱۱تجربه بشری
بنیان‌های هستی‌شناسانه الگوی حکومت مطلوب در مسأله مردم

۲۱۴	سالاری
۲۱۴	انواع موجودات
۲۱۴	موجودات کامل
۲۱۵	موجودات ناقص
۲۱۷	نظریه عنایت
		بنیان‌های انسان شناسانه الگوی حکومت مطلوب در مساله مردم
۲۱۸	سالاری
۲۲۱	برابری ذاتی افراد انسان
۲۲۵	کمال‌طلبی و حقیقت‌طلبی
۲۲۶	خردورزی و تعقل
۲۲۹	انسان مختار
۲۳۱	انسان مدنی و تدبیرگر
۲۳۴	شکوفایی عقل: ملاک برتری انسان
۲۳۵	قانونگرا (نظمگرا)
۲۳۷	آزادی
۲۳۸	انسان ذی حق و حقگرا
۲۴۲	جایگاه مردم و نفی اقتدار گرایی در فلسفه سیاسی مشاء
۲۵۱	جمع‌بندی
۱۶۰	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی

فهرست منابع

۱۶۷	الف) کتابها
۱۷۲	ب) مقالات

ج) منابع لاتین ۱۷۲

مقدمه پژوهش

طرح تفصیلی تحقیق

۱- بیان مسئله

تحولاتی که در قرون اخیر در سطح جهانی در حوزه های مختلف سیاسی - اجتماعی و فرهنگی زندگی سیاسی رخ داد، نیازهای جدیدی را برای انسان این دوره تولید نمود و در پی چنین نیازهایی، انسان به مطالبه نوع و شکلی از زندگی سیاسی برآمد که متفاوت از دوران قبل است.

در پی چنین تحولاتی همه ابعاد زندگی خاصه ابعاد اساسی و سیاسی زندگی و بنیان های آن دچار تغییر و تحولات اساسی شد و با ساز و کارهای مفهومی و معنایی گذشته توانایی ادامه حیات خود را از دست داده و موجب شد زندگی سیاسی جهت رشد و بقا و بالندگی در جوامع مختلف به تولید مفاهیم و معانی سیاسی جدید همچون مردم سالاری برآید و جوامع مختلف یا همسو با آن تحولات، مفاهیم و معانی وضع شده جدید را دریافت نمایند و یا آنها را به دستگاه معرفتی و فلسفی زندگی سیاسی خود عرضه نمایند و بنیان زندگی سیاسی خود را در تعامل با آن مفاهیم قرار داده و آن را به باز تولید و دارند تا متناسب با نیازها و مسائل عصری جدید، زندگی سیاسی

باز تعریف شود.

از سویی جامعه سیاسی و فکری ایران از یک سنت دینی و فلسفی دیرینه قوی برخوردار است و در حال حاضر نیز چنین سنتی حضور خود را در زندگی و زمانه ما نشان می‌دهد و پایه‌های فلسفی و معرفت‌شناختی آن همچنان بر تفکر سیاسی امروز ما سلطه خود را دارد و مدام به باز تولید پرداخته و به زندگی ما جهت می‌دهد هرچند با پرسش‌ها و مطالبات جدید مواجه شده و با چالش‌های جدی روبرو است و نیازمند باز خوانی و باز اندیشی مجدد می‌باشد. دستگاه فلسفه سیاسی مشاء از جمله گرایش‌های سیاسی سنت فلسفی - دینی جامعه مسلمان ایران می‌باشد و قابلیت دارد که استی‌های اندیشه نشده فکری و فلسفی جامعه ایران امروز را حل نموده و مفاهیم جدید زندگی سیاسی را توجیه و تبیین نماید.

مسأله‌ای که در این رساله مورد کاوش قرار می‌گیرد، آن است که با توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های این دستگاه، چگونه می‌توان مسأله عصر حاضر را که در توجه بیشتر به آراء و نظریات مردم و تاثیر دادن آنها در تصمیم‌گیری‌هاست، به چنین دستگاه و به الگوی حکومت مطلوب آن عرضه نموده و آن را به باز تولید واداشت و بر پایه آن به تعیین جایگاه مردم در بنیان‌های نظری و معرفتی آن دستگاه معرفتی برآمد این در حالی است که نزد بعضی فلسفه سیاسی مشاء ساختار قدرت اقتدارگرایانه دارد و در آن مردم هیچگونه جایگاهی

ندارند.^۱

۲- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن

قوام و دوام زندگی سیاسی در دوره های مختلف فکری نیازمند آن است که بر پایه های فکری و فلسفی مستقر شود و افراد جامعه از حیات و زندگی خود یک توجیه فلسفی داشته باشند. جامعه دینی و فکری ایران در عصر حاضر از سویی در مواجهه با تفکر و تمدن غرب مدرن است و این مواجهه تأثیراتی در صورت و ماهیت جامعه ایران گذارده و از سویی در توجیه و تبیین فلسفی خود از پیشینه قوی فکری و فلسفی برخوردار است و نمی توان آن را نادیده بگیرد. انتخاب چنین موضوعی از سوی نویسنده گرچه یک دغدغه پژوهشی نیز می باشد اما اساساً نویسنده معتقد است با رجوع به سنت فلسفه مشایی و بازنگری و تغییر رویکرد غایت‌گرایانه از زندگی به رویکرد واقع-گرایانه از زندگی در درون دستگاه فلسفی مشاء، می توان به ارائه مبانی، اصول و الگویی از نظم سیاسی برآمد که ضمن حضور مبنایی سنت فلسفی مشائی در زندگی امروزی، مسأله مردم سالاری و لوازم آن همچون حق و برابری در آن برجسته باشد و مردم به طور نظری و معرفتی در آن حضور فعال داشته باشند و کارآمدی خود

۱ - داود فیرحی ، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، تهران ، نشر نی ، چاپ پنجم ، ۱۳۸۵، ص ۳۲۶ و ص ۳۳۰-۳۳۷

را با نیازهای امروزی زندگی سیاسی نشان دهد. توضیح آن که دوره معاصر ایران، دوره ورود مفاهیم جدید و مدرن در زندگی سیاسی است که باید آنها را به بنیان‌های زندگی سیاسی خود عرضه نمود و متناسب با مبانی، معانی خود را دریابند تا جامعه سیاسی دچار بحران فکری و هویتی نگردد و به نظر نویسنده، فلسفه سیاسی مشاء این قابلیت را دارد که به اقتضای زندگی سیاسی عصر جدید، دغدغه زندگی سیاسی در نقش دادن مردم در نظام سیاسی بیش از پیش برجسته شده و نشان داده شود که مردم در الگوی حکومت مطلوب فلسفه سیاسی مشاء از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و ماهیت حکومت ماهیتی مردمی می‌باشد.

اهمیت این موضوع از آن جهت است که مفاهیم جدید زندگی سیاسی قلمرو جهانی یافته گرچه معانی و چیدستی آن‌ها سرزمینی شده است و زمانی می‌توانیم فرهنگ و مبانی فرهنگی و اصیل خود را حفظ کنیم که به مفاهیم جدید جهانی شده، توجه درون فرهنگی دهیم و الا باید سلطه ماهیت زندگی سیاسی آن را بر خود پذیرا باشیم. فایده این موضوع هم در نشان دادن توانمندی سنت فلسفی سیاسی مشاء در مواجهه با نیازهای امروزی بشری و تعامل با آنهاست تا بتوانیم با زبان فلسفه و ادبیات آن، یکی از سنت‌های خود یعنی فلسفه سیاسی مشاء را در زندگی سیاسی و مدنی وارد سازیم و هم برای همه